

## میراث دانشگاهی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی: منابع و فرصت‌ها<sup>1</sup>

مایکل باکلند<sup>2</sup>

ترجمه ایرج رداد<sup>3</sup>

### چکیده

دانشکده‌های دکوماتاسیون، کتابداری و مدیریت اطلاعات سنت‌هایی را به ارث برده‌اند: کتابشناسی، دکوماتاسیون، کتابداری، ذخیره و بازیابی اطلاعات، پردازش اطلاعات، اطلاع‌سنجی<sup>4</sup>، ارتباطات، آرشیو، نظام‌های اطلاعاتی، نشر، و غیره. کار ما [کتابداران] با مدارک (شامل کتاب‌ها، پیشینه‌ها، داده‌ها، گفتارها، عناصر نمادین<sup>5</sup>) و نیز تولید، اشاعه و به‌کارگیری دانش در جامعه مرتبط است. اگر در این باب بیندیشیم که چه کسی و چرا از مدارک استفاده می‌کند، دامنه [این حوزه] وسیع‌تر هم می‌شود. ما با مسائل بسیار پیچیده‌ای مواجه هستیم: درک و باور انسانی، فناوری اطلاعات، و سیاست‌های اجتماعی. مسائل عقلانی و مشکلات عملی مربوط به اهمیت و پیچیدگی‌های اجتماع نیز از جمله این مسائل‌اند. فناوری‌های جدید (نگارش، چاپ، رقومی کردن، ارتباطات راه‌دور) ابزار جدید و نه اهداف نو را شامل می‌شوند. ما می‌توانیم و باید به موازات تغییراتی که فناوری موجب می‌گردد، درباره هر چیزی بازاندیشی و بازآفرینی نماییم. توجه این دانشکده‌ها بر روی تعداد محدودی از دانشجویان متمرکز شده است.

آموزش حرفه‌گرا باعث سلب علاقه نسبت به ماهیت این حوزه می‌گردد. یک برنامه حرفه‌گرای مطلوب بر مبنای درآمیختگی بیشتر با تولید، اشاعه و استفاده از دانش شکل می‌گیرد. روش دانش‌اندوزانه، عالمانه و انتقادی آن است که مبتنی بر فنون رسمی (الگوریتم‌ها) و علوم اجتماعی (مردم‌شناسی فرهنگی<sup>6</sup>، جامعه‌شناسی

<sup>1</sup>. مقاله حاضر، متن سخنرانی است که توسط مایکل باکلند استاد دانشکده عالی نظام‌ها و مدیریت اطلاعات دانشگاه کالیفرنیا، در جلسه افتتاحیه هشتاد و پنجمین سالگرد تأسیس انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی (ALISE) در سال ۲۰۰۰ ارائه گردیده و نسخه‌ای از آن در نشریه The Norwegian Journal of Library Research به چاپ رسیده است.

<sup>2</sup>. Buckland, Michael. The Academic Heritage of Library and Information Science: Resources and Opportunities. *The Norwegian Journal of Library Research* 16 (2001): 8-21.

<sup>3</sup>. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، مسئول کتابخانه و مدرس دانشگاه امام رضا (ع).

<sup>4</sup>. informetrics

<sup>5</sup>. symbolic objects

<sup>6</sup>. cultural anthropology

تحلیل خط‌مشی<sup>1</sup> و نیز علوم انسانی (علم بیان<sup>2</sup>، معناشناسی<sup>3</sup>، معرفت‌شناسی<sup>4</sup>) باشد. اهمیت ما به واسطه اهمیت مشکلات و ارتباط آموزش، پژوهش، و نیز خدمات عمومی ما در مواجهه با آن مشکلات است. کلیدواژه‌ها: آموزش کتابداری، دانشکده‌های کتابداری، دانشکده‌های اطلاع‌رسانی، محتوای درسی

## مقدمه

معرفی تم کنفرانس، یعنی «گرامیداشت سنت‌ها، تشریح رؤیاهای، تدوین راهبردهایی نو»<sup>5</sup> به من محول شده است. با این حال، من واژه «میراث» را برمی‌گزینم زیرا بر کلمه سنت رجحان دارد. همه سنت‌ها خوب نیستند. «میراث» یا سرمایه‌ای که فرد به ارث می‌برد، مفهومی والاتر دارد، بدان معنا که فرد در استفاده یا عدم استفاده از آن مختار است. بخشی از آن را می‌تواند نگاه دارد و استفاده نماید، و بخشی دیگر را [که نیاز ندارد] به تشکیلات خیریه<sup>6</sup> ببخشد. از طریق مقایسه اهداف و مایملکمان می‌توانیم منابعی را که برای ایجاد آینده‌ای بهتر بدان نیاز داریم، تعیین کنیم. پس، من میراثمان را گرامی خواهم داشت، اندیشه‌هایم را به اشتراک خواهم نهاد، و درباره راهبردهایی نو خواهم اندیشید. دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی سنت‌هایی متفاوت و جسته‌گریخته اما وابسته به هم را به ارث برده‌اند: کتابشناسی، دکومانتاسیون، ذخیره و بازیابی اطلاعات، کتابداری، مطالعات اجتماعی اطلاعات، پردازش اطلاعات، اطلاع‌سنجی، ارتباطات، آرشیو، گونه‌های مختلف نظام‌ها و خدمات اطلاع‌رسانی، نشر و غیره. منظور من از «وارثین این میراث» یا همان «سنت» (اگر شما این واژه را ترجیح می‌دهید) نه تنها دانشکده‌هایی که اعضای سازمانی این انجمن هستند، بلکه همه دانشکده‌هایی است که با اطلاع‌رسانی، مدیریت اطلاعات و هر آنچه که به اطلاعات و با امر تسهیل دسترسی انسان به اطلاعات و استفاده از آن برای انجام اعمال هدفمند مربوط است، سروکار دارند و به چگونگی درک و بهینه‌سازی تولید، اشاعه و استفاده از دانش، یا

---

<sup>1</sup> policy analysis sociology

<sup>2</sup> rhetoric

<sup>3</sup> semantics

<sup>4</sup> epistemology

<sup>5</sup> Celebrating Our Traditions, Sharing Our Dreams, Shaping New Strategies

<sup>6</sup> Salvation Army

آنچه که «پاتریک ویلسون»<sup>1</sup> به صورت موجز در مقاله خود با عنوان «پژوهش و توسعه کتابشناختی»<sup>2</sup> بیان می‌دارد، می‌پردازند (Wilson, 1984). این رؤیای شخصی من است. من نه از طرف دانشگاه کالیفرنیا، برکلی یا کس دیگری، بلکه از جانب خود سخن می‌گویم.

### میراث ما

فکر می‌کنم خبر نویدبخش درباره میراث ما آن است که ما آن را، بویژه سابقه علم اطلاع‌رسانی در اروپا در نیمه اول قرن بیستم را دست کم گرفته‌ایم. («ونوار بوش»<sup>3</sup> آمریکایی، چهره نمادگونه این حوزه شد: از یک سو بدان خاطر که خیلی خوب می‌توانست بنویسد، و از سوی دیگر به خاطر آن که نه او و نه دیگران، به پیشگامانی که پیش از وی عقاید او را داشته بودند، وقعی ننهادند).

از کجا باید آغاز کرد؟ روال معمول آن است که برای شروع از کتابخانه اسکندریه که سوخت و هیچ چیز از آن باقی نماند، مراجعه کنیم و به نام «آشوربانیپال»<sup>4</sup> پادشاه آشوریان در قرن هفتم پیش از میلاد، یا نام «کالیماخوس»<sup>5</sup> فهرست‌نویس مصر باستان استناد کنیم. اما ارتباط آنان با زمان حاضر کمی ضعیف به نظر می‌رسد:

آشوربانیپال آن پادشاه والا

نهاد بنیان نخستین کتابخانه را،

برای ما چه آیا تواند کنند

هم او یا کالیماخوس؟ حتی

مشکل توان آورد نامشان به رشته آوا<sup>6</sup>

«دلما»<sup>1</sup> در اثر عالی خود در باره تاریخچه توسعه دکومانتاسیون در فرانسه به نکته جالبی اشاره دارد. او می‌گوید در دهه 1880 اتفاقی در جهان رخ داد. وی توضیح نمی‌دهد

<sup>1</sup> Patrick Wilson

<sup>2</sup> Bibliographical R & D

<sup>3</sup> Vannevar Bush

<sup>4</sup> Assurbanipal

<sup>5</sup> Callimachus

<sup>6</sup> "Assurbanipal, that ruler sublime,  
Built the first library ever in time.  
But what can he do for us,  
He, or Callimachus?"

<sup>1</sup> And their names are so difficult to rhyme."

<sup>1</sup> Bruno Delmas

چه اتفاقی، اما هر چه که بوده، شرایط برای بلوغ دکوماتاسیون - که ما اینک به آن «مدیریت اطلاعات» یا «اطلاع‌رسانی» می‌گوییم - به عنوان موضوعی که بسیار بدان احساس نیاز می‌شد، فراهم می‌گردد (Delmas, 1992). من معتقدم حق با «دلما» بود. (دیویی و رخدادهای سال 1876 چند سال زودتر اتفاق افتادند، ولی دیویی از زمانه‌اش پیشی گرفته بود). سال‌های بین ربع آخر قرن نوزدهم تا دهه 1930، دوره نوزایی هنر، فرهنگ، علوم و مهندسی محسوب می‌شوند. این زمان برای الکتریسته، موتورهای درون‌سوز، امپرسیونیسم، نسیت، الکترونیک، هوانوردی، رادیو، سینما، تلویزیون و خیلی چیزهای دیگر دوره اثرگذاری بود. این دوره همچنین زمانی بود که دانشوران، کتابشناسان و کتابداران خود را برای رویارویی با جریان سیل آسای مدارک - آنچه که بعدها «انفجار اطلاعات» نامیدند - آماده و تجهیز می‌نمودند.

این دوره، یعنی دهه‌های آخر قرن نوزدهم و چند دهه اول قرن بیستم، دوره رنسانس کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز محسوب می‌شود. طرح‌های رده‌بندی که شالوده کتابخانه‌های ما را در حال حاضر تشکیل می‌دهند، در آن زمان گسترش یافتند. مختصات اصلی ایده‌های امروز ما در باب کتابخانه‌های رقومی برای اولین بار در آن زمان مورد بحث قرار گرفتند. اندیشه‌های کاملاً پیچیده در باب «مدارک» و نقش اجتماعی آنها، فرامتن<sup>2</sup>، ایستگاه‌های کاری<sup>3</sup>، خواندن متن از راه دور از طریق لامپ‌های پرتو کاتدی<sup>4</sup>، استفاده از الکترونیک برای ذخیره و بازیابی اطلاعات، و تمامی اینها در دهه 1930 مورد بحث و توسعه قرار گرفتند. نوگرایی فناورانه<sup>5</sup> در میان سیاستگذاران آن دوران، از قبیل ساختار معنایی نظام‌ها، معیارها، سازماندهی، ماشین‌های اطلاع‌رسانی - موتورهای ترقی اجتماعی! - هنوز در میان ما بویژه در میان سیاستگذاران و فممداران حضور دارد. در آن زمان، حداقل در ربعی از قرن، دیدگاهی گران‌بها نسبت به کتابداری و اطلاع‌رسانی وجود داشت که راهکارهایی برای نیازهای دانشوران، دولت‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌ها و همه به ارمغان آورد. ارتباطی نزدیک میان کتابداری، تجارت و نشر وجود داشت و نیاز به یک فناوری معیارینه بدیع به منظور رمزگذاری و ذخیره اطلاعات آشکار شد. اقدامات «ملویل دیویی» در این باب بسیار مشهور است. او به زبان انگلیسی می‌نگاشت. بسیاری از صاحب‌نظران دیگر نظیر

---

<sup>2</sup> hypertext

<sup>3</sup> workstations

<sup>4</sup> cathode ray tubes

<sup>5</sup> technological modernism

«أتله»<sup>1</sup>، «أستوالد»<sup>2</sup>، «گولدربرگ»<sup>3</sup>، «اشنایدر»<sup>4</sup>، و «برید»<sup>5</sup>، به زبان فرانسه یا آلمانی می‌نوشتند که تا حد زیادی فراموش شده‌اند. فرصت‌های خوبی برای کسی که به دیرینه‌شناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی علاقه‌مند باشد، مهیا است.<sup>6</sup>

اگر در پی تأثیرات صورت گرفته بر علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی معاصر باشیم، با سنت‌هایی مشوش مواجه خواهیم شد. البته کتابداری خود عنصر بزرگی است. اما عناصر دیگری نیز وجود دارند. می‌توانیم به نسب‌شناسی خود پردازیم، یعنی دودمان عقلانی خود را دنبال کنیم. اما بدون شک، بر روی اصطلاحات و تعابیر اختلاف نظر خواهیم داشت. با این وجود ما در زمان حال زندگی می‌کنیم و باید سرمست از این میراث بزرگ و برانگیزنده باشیم، هرچند ممکن است بعضاً مغشوش به نظر برسد. چالش موجود بر سر تجزیه و تحلیل سرمایه‌مان، سرمایه‌گذاری بخردانه، اندیشیدن و ساختن آینده‌ای باز هم بهتر می‌باشد.

## رؤیای من

رویای من بسیار ساده است: میراثمان را بپذیریم و آینده خود را بر آن بنا نهمیم. ابتدا آنچه را که اجزای اصلی میراثمان می‌دانم، فهرستوار به ترتیبی که برای من اهمیت دارد، بیان خواهم کرد. سپس درباره شکل‌گیری راهبردهای نوین سخن خواهم گفت. ما با موارد زیر سر و کار داریم:

1. **مدارک:** من واژه مدارک را به مفهومی وسیع شامل هر «چیزی» که بدان دلالت دارد، به کار می‌برم: کتاب‌ها، پیشینه‌ها، داده‌ها، گفتارها، نشان‌ها<sup>1</sup>، عناصر نمادین، و غیره. اطلاعات به تنهایی مهم نیست و تنها زمانی اهمیت می‌یابد که با تجارب و آموزه‌های افراد مرتبط باشد. بنابراین ما با تولید، اشاعه و کاربرد دانش سر و کار داریم. من مدارک را به این مفهوم وسیع، تکیه‌گاه حوزه‌مان می‌دانم (Buckland, 1997).

---

<sup>1</sup> Paul Otlet

<sup>2</sup> Wilhelm Ostwald

<sup>3</sup> Emanuel Goldberg

<sup>4</sup> Georg Schneider

<sup>5</sup> Suzanne Briet

<sup>6</sup> برای آشنایی بیشتر با اثری جدید درباره تاریخ اطلاع‌رسانی بنگرید به: Hahn & Buckland, 1998; Bowden,

Hahn & Williams, 1999

<sup>1</sup> signs

2. **عقاید:** ما اهالی دانشگاه هستیم. عضویت سازمانی در انجمن آموزش علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی<sup>2</sup>، در میان اهالی دانش، چه دانشجویان و چه دانشوران فراگیر شده است. پرداختن به عقاید، عقاید مربوط به حوزه خود یا درباره حوزه خود، نقش و وظیفه ما است. همه باید بیندیشیم. ما اساتید را اجیر کرده‌اند تا بیندیشیم.

3. **مشکلات:** نمی‌توان با عقاید به طور جدی در آمیخت، بدون آن که با مشکلات عقلانی روبرو شد و نمی‌توان برای مدتی مدید درباره تولید، اشاعه و کاربرد دانش اندیشید، بدون آن که از مشکلات عملی پیچیدگی و اهمیت اجتماعی آگاه بود.

4. **پیچیدگی:** هر کس که علاقه‌مند به پرداختن به دانش انسان باشد، الزاماً با مسائل پیچیده‌ای سر و کار خواهد داشت: ادراک و باور انسان، فناوری اطلاعات، و سیاست‌های اجتماعی. ما بناگزی در محیطی بسیار پیچیده زندگی می‌کنیم که باید کار با شیوه‌های رسمی و تحلیل‌های انسان‌گرایانه را بیاموزیم. باید بتوانیم در تمام امور، دانش‌اندوزانه عمل کنیم، اما تنها در حوزه‌های محدودی از علائقمان، می‌توانیم «علمی» (رسمی، کمی) باشیم (Buckland, 1999).

5. **فناوری:** من تعمداً فناوری را در ردیف ماقبل آخر قرار داده‌ام. تغییرات وسیع در فناوری اطلاعات - نگارش، چاپ، رقومی کردن، ارتباطات راه دور - به خودی خود آشکار هستند، حتی اگر پیامدهای آنها اینچنین نباشد. فناوری‌های جدید نه اهدافی نو بلکه ابزار جدید را شامل می‌شوند، ولی آن چه را نیز که امکان‌پذیر است، تغییر می‌دهند. رشته ما همواره وابستگی عمیقی به فناوری دارد، زیرا ما مستقیماً با مدارک سروکار داریم. تغییرات در زیر لایه‌های فناوری بدان معنا است که باید بتوانیم در باب هر کاری که انجام می‌دهیم، بازاندیشی و بازآفرینی داشته باشیم، زیرا فناوری در حال تغییر است.

6. **آموزش:** اعضای سازمانی این انجمن همه به برنامه‌های آموزشی می‌پردازند. ما چه کسانی را قصد داریم آموزش دهیم؟

کوتاه سخن آنکه، رؤیای من ایجاد توسعه بر پایه میراثی است که به طور گسترده‌ای آن را در ارتباط با مدارک، دانش، عقاید، و متعهد در قبال مشکلات مهم و پیچیده اجتماع، فناوری در حال تغییر، و رسالت آموزشی بی‌انتهای می‌بینم.

---

<sup>2</sup>. Association for Library and Information Science Education

## رؤیای بد

مواردی [از این دست] وجود دارند. به عنوان یک چشم انداز کوتاه فکرائه محدود و انحصاری - و ندرتاً یک رؤیا - کتاب «تغییر و چالش در آموزش کتابداری و اطلاع رسانی» (Stieg, 1992) را در نظر بگیرید. این کتاب مفهومی از علم کتابداری و اطلاع رسانی (اساساً کتابداری) ارائه می کند که بیشترین تأکید بر آموزش مهارت های فنی و حرفه ای است و هیچ علاقه ای به آموزش چیز دیگر یا شخص دیگر در آن به چشم نمی خورد. چنین مفهومی از کتابداری و اطلاع رسانی راه را بر اکتشاف آنچه که ممکن است از نقطه نظر فکری جالب باشد، می بندد. در این کتاب نمی توان بحث سازنده ای را یافت که پیشنهاد دهد اساتید هیئت علمی چه پژوهشی را انجام دهند یا چه نوع پژوهشی در قالب پایان نامه دکترا انجام شود. در این کتاب به پژوهش های کتابداری و اطلاع رسانی به دیده تردید نگریسته شده و جالب این که به وضوح بیان می کند که در مدارس کتابداری و اطلاع رسانی نباید پژوهشی صورت پذیرد. این کتاب از نقطه نظر حرفه ای، آموزش بسیار مفیدی ارائه می کند، ولی در آن حتی از پژوهش های دانشگاهی رایج اثری نیست. و به همین دلیل، هر دانشکده کتابداری و اطلاع رسانی که از این کتاب پیروی کند، حضورش در محیط دانشگاه قابل توجیه نیست. این کتاب برای هر شخصی که دلسوزانه عقیده دارد حداقل برخی از برنامه های کتابداری و اطلاع رسانی را می توان در دانشگاه های تحقیقاتی به انجام رساند، نامید کننده است. آن چه که بدتر از همه بوده و پذیرفتنش نیز دشوار است، تعداد و جایگاه برخی از مدرسان کتابداری و اطلاع رسانی است که نقدهای تأیید کننده بر این کتاب نوشته اند<sup>1</sup>. بگذارید از این کتاب فاصله بگیریم و به شکل گیری راهبردهای نوین و مثبت بازگردیم.

## راهبردها

### 1. مدارک

زمانی که ما مفهوم تمام شمول «مدارک» - دیجیتال یا هر نوع دیگر - را به عنوان یک نماد معنایی یا هر شیئی که معنا بدان تعلق می گیرد می پذیریم، به وضوح دامنه آن را گسترده می بینیم اگر لحظه ای بیندیشیم چه کسی و چرا از مدارک استفاده می کند:

1. به عنوان یک بررسی انتقادی بنگرید به: (Wilson, 1993)

- و کلا و دادگاه‌های حقوقی از مدارک به عنوان شواهد و ادله بهره می‌گیرند؛
  - آموزگاران مدارک (کتاب‌های درسی، مواد آموزشی) را برای تدریس، هم به منظور تقویت بنیه علمی معلمان و هم به مثابه محتوای تدریس و نیز برای تقلیل وابستگی دانش‌آموزان به معلمان، به کار می‌گیرند. (در قرن نوزدهم به کتاب‌های درسی به عنوان وسیله یاری‌رسان معلم در امر تدریس می‌نگریستند)؛
  - دانشمندان مدارک (مقاله‌ها، مجموعه مقالات<sup>1</sup>) را به عنوان آرشویی از موفقیت‌های مربوط به موقعیت شخصی خود به کار می‌برند؛
  - دولتمردان از مدارک برای اعمال کنترل اجتماعی بهره می‌جویند؛
  - مذهب‌یون مدارک را برای دفاع از شرع و تبلیغ احکام مورد استفاده قرار می‌دهند؛
  - میهن‌پرستان مدارک را در جهت بزرگداشت‌ها و تحریک روحیه وفاداری به میهن به کار می‌برند؛
  - هنرمندان مدارک را برای الهام بخشیدن و به فکر فرو بردن افراد خلق می‌کنند؛
  - تجارت بر پایه تبادل مدارک و گذار از کاغذ به دکومانتاسیون قابل اعتماد رقمی، از مهم‌ترین چالش‌های تجارت معاصر می‌باشد.
- این چند نمونه انگشت‌شمار مشخص می‌کنند که مدارک به محیط اجتماعی ما نفوذ کرده‌اند. بررسی کردن، مقایسه کردن و درک آن‌ها و بسیاری از دیگر جنبه‌های متنوع نقش اجتماعی مدارک و تأثیر فناوری بی‌ثبات، چالشی ریشه‌دار را فراروی ما قرار می‌دهند که به اعتقاد من باید بخش مهمی از راهبردهای ما باشد.<sup>2</sup>

<sup>1</sup>. offprints

<sup>2</sup>. این قسمت برگرفته از نظرات پروفسور «نیلس دابلیو. لاند» از دانشگاه ترامسو Niels W. Lund, University of Tromsø در نروژ است.



## 2. عقاید

برای پرداختن به عقاید باید حتی الامکان دانش‌اندوزانه، عالمانه و انتقادی برخورد کنیم. این کیفیت سه‌گانه دانشگاهی - یعنی دانش‌اندوز بودن<sup>1</sup>، علمی بودن<sup>2</sup>، و انتقادی بودن<sup>3</sup> - را باید مورد توجه قرار داد، زیرا شبیه یکدیگر نیستند. دانش‌اندوز بودن مشابه علمی بودن<sup>4</sup> نیست، اما مهم‌ترین مشخصه آن، جستجوی تصدیق‌آمیز شواهدی است که ممکن است با بهترین عقاید ما در تناقض باشند. این جستجو محکی است برای سنجش عیار یک پژوهش خوب در هر زمینه‌ای: در علوم، در علوم انسانی، در فعالیت‌های حرفه‌ای، در کتابداری و اطلاع‌رسانی. «علمی بودن» به معنای ارائه توصیفاتی رسمی و در عین حال قابل نقض از پدیده‌های مورد علاقه است، ولی همواره امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که ارسطو می‌گوید: «نشانه یک انسان فرهیخته و دلیل فرهنگ او این است که در هر زمینه‌ای، تا جایی که ماهیت موضوع اجازه دهد، به دنبال نهایت دقت باشد» (Aristotel, 1955, 27-28). برای علمی بودن محدودیت‌هایی وجود دارد، بنا بر این کسانی که مصمم به علمی بودن هستند، دامنه‌ی علائق خود را محدود می‌کنند.

«انتقادی بودن» در این جا به معنای متخاصم بودن نیست، بلکه زیر سؤال بردن فرضیات و رویه‌هایی است که در پژوهش علمی یا غیرعلمی مورد استفاده واقع می‌شوند. تفسیر انتقادی به این مضمون اهمیت دارد، اما از آن جا که فرضیه‌ها را به چالش می‌کشاند، به کسب شهرت کمک نمی‌کند. ما اعضای علمی دانشگاه‌ها هستیم. اعضای علمی در دانشگاه‌ها هم فرصت مطالعه افکار درونی خود را دارند (تولید دانش) و هم فرصت استفاده از مهارت‌هایشان برای حل مشکلات مهم جامعه. در اواخر قرن نوزدهم، بهترین دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های آلمان بودند و آمریکایی‌ها (و همه کسانی) که طالب بهترین نوع آموزش بودند، به دانشگاه‌های آلمان می‌رفتند. برتری عظیم دانشگاه‌های آلمان مبتنی بر پذیرش کاملاً آگاهانه از سوی اعضای دوگانه دانشگاهی بود: دانشگاه‌ها تأسیس شدند تا به تأمین نیازهای ملی خدمت کنند و از آن‌ها انتظار چنین کاری می‌رفت. با این حال در همان زمان، پژوهشگران آزاد بودند تا درباره هر چه و به هر نحوی که مناسب تشخیص می‌دهند، تحقیق کنند. این راهبرد، راهبرد درخشان و پایدار قرن بود.

---

<sup>1</sup> being scholarly

<sup>2</sup> being scientific

<sup>3</sup> being critical

<sup>4</sup> erudite

آموزش عالی در ایالات متحده آمریکا بسیار متأثر از دو سنت آلمانی است: تکریم پژوهش و تفاوت قائل شدن میان آموزش عالی «فنی» و آموزش عالی «علمی». این وجه تمایز دوم در حضور سنتی اما جداگانه «دانشگاه» و «مرکز آموزش عالی فنی» در یک شهر آلمان آشکار می‌گردد. چنین تمایزی در دانشگاه‌های بزرگ آمریکا نیز دیده می‌شود که معمولاً دانشگاه را به دو بخش سازماندهی می‌کنند: نوعاً یک گروه خیلی بزرگ از دانشکده‌ها برای رشته‌های آکادمیک («علوم و ادبیات»<sup>1</sup>) و چندین واحد کوچک جداگانه دیگر برای رشته‌های حقوق، پزشکی، مدیریت بازرگانی، مهندسی، ... («مدارس حرفه‌ای»). گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی معمولاً یک دانشکده حرفه‌گرای کوچک و جدای از دانشکده ادبیات و علوم است.

«علوم مقدماتی»<sup>2</sup> یک نام مشترک سنتی در ایالات متحده است که برای آن دسته از موضوعات دانشگاهی به کار می‌رود که جزو رشته‌های فنی - حرفه‌ای نیستند. بنابراین «علوم مقدماتی» شامل کلیه شاخه‌های علوم طبیعی و وابسته به فیزیک، علوم اجتماعی، و علوم انسانی می‌باشد، اما دانشکده‌های حرفه‌ای را شامل نمی‌شود. شیمی، اقتصاد، و مردم‌شناسی جزو علوم مقدماتی هستند، اما مهندسی شیمی، مدیریت بازرگانی، حقوق و پزشکی این‌گونه نیستند. دانشکده‌های حرفه‌ای عملگرا هستند. علوم مقدماتی جزو رشته‌های آکادمیک محسوب می‌شوند. [این رشته‌ها] بیشتر به لحاظ عقلانی مورد توجه‌اند، حال ممکن است بنا به قولی بعضاً کاربردهای عملی نیز داشته باشند. با این حال، چیزی بیش از جالب بودن محض در این میان مطرح است، زیرا شخصی که به‌خوبی آموزش دیده دیدگاه‌هایی خواهد داشت که از علوم مقدماتی نشأت می‌گیرند. اگر بخواهیم معادل آلمانی آن را استفاده کنیم، Bildung به معنای فرهنگ و روشنفکری، مفهوم موردنظر ما است.

حتی در خارج از ایالات متحده، که ممکن است تمایزی میان «علوم مقدماتی» و آموزش فنی - حرفه‌ای به چشم نخورد یا به‌گونه‌ای متفاوت مطرح باشد، از دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در سطح جهانی این انتظار می‌رود که نوعی آموزش حرفه‌گرای کارآمد فراهم آورند. دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی برای آن بنا نشده‌اند که جالب باشند یا روشنفکر تربیت کنند، بلکه تربیت افرادی شایسته از نقطه‌نظر فنی، و کارمندان

---

<sup>1</sup>. Letters and science  
<sup>2</sup>. Liberal arts

حرفه‌ای کارآمد مورد انتظار است. همان‌طور که یکی از همکاران بیان می‌دارد: چون دانشجویان به مدرک تحصیلی نیاز دارند، رنج آموزش را بر خود هموار خواهند کرد و اساتید، پاره‌ای از آموزش‌ها را بطور پنهانی دست کم می‌گیرند. این نگرش محدود بهترین چیزی است که می‌توان انتظارش را داشت، اما برخی عواقب منفی در پی داشته است. تأکید زیاد بر روی آموزشی که از نقطه نظر حرفه‌ای مفید باشد، باعث سلب علاقه نسبت به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ماهیت اطلاعات و فناوری اطلاعات، و تاریخچه فکری کتابداری و اطلاع‌رسانی خواهد شد، زیرا همیشه برنامه‌های بظاهر کاربردی‌تر وجود دارند. این امر موجب می‌شود ما از بررسی ماهیت حوزه‌مان منحرف گردیم. صدها کتاب درباره جنبه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی منتشر شده که همان‌گونه که انتظار می‌رود عناوین بیشتر کتاب‌ها «چگونه... انجام دهیم» است. اما با گذشت هشتاد و پنج سال از تأسیس انجمن آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتاب‌هایی که آشنایی عمومی و ادراکی نسبت به دامنه و ماهیت کتابداری و اطلاع‌رسانی فراهم آورند، رایج نیستند. چند عنوان کتاب را می‌توانید برشمارید که پس از انتشار کتاب کم و بیش بحث‌برانگیز «باتلر»<sup>1</sup> با عنوان «درآمدی بر علم کتابداری»<sup>2</sup> در سال 1933، منتشر شده و در آنها از فضیلت عملگرایی حرفه‌ای کاسته شده و در عوض، آشنایی مختصری نسبت به موقعیت این علم فراهم شده باشد. اگر ژرف‌تر بنگرید، خواهید دید این متن ماهرانه نگاشته شده به طور قابل ملاحظه‌ای خالی از محتوا است. از هیچ یک از پیشگامان علم کتابداری نامی برده نشده و افکارشان درج نگردیده است. این کتاب شبیه «درآمدی بر علم اقتصاد» است که در آن از «آدام اسمیت»<sup>3</sup>، «لرد کینس»<sup>4</sup>، افکار آنها و تقریباً افکار هیچ کسی دیگر سخنی به میان نیامده باشد.

اگر رئیس دانشگاه شما در این اندیشه می‌بود که میزان سرمایه‌گذاری پردیس دانشگاه را در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی افزایش یا کاهش دهد و از شما می‌خواست مقدمه‌ای علمی بر این حوزه تهیه کنید، چه چیزی را برایش فراهم می‌آوردید؟

---

<sup>1</sup>. Pierce Butler

<sup>2</sup>. An Introduction to Library Science

برگردان فارسی این کتاب تحت عنوان «جنبه‌های نظری علم کتابداری» ترجمه مرحوم دکتر هوشنگ ابرامی در سال ۱۳۵۷ توسط مرکز اسناد فرهنگی آسیا منتشر شد و چاپ دوم آن توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است. (م)

<sup>3</sup>. Adam Smith

<sup>4</sup>. Lord Keynes

**یک اندیشه رؤیایی:** بگذارید هر مطلبی را که فراهم آورده‌اید، به کناری بگذاریم و تصور کنیم رئیس دانشگاه شما اعتقاد یافته که ما به سمت یک جامعه اطلاعاتی در حرکتیم، و می‌خواهد دانشگاه را در موقعیتی قرار دهد که باید باشد، و قصد دارد منابع دانشگاه را بر روی مطالعه این پدیده سرمایه‌گذاری نماید. این یک سناریوی کاملاً باور کردنی است. به لحاظ معنایی در نظر بگیرید چگونه یک جامعه در هنگام پای نهادن به «عصر اطلاعات» تغییر می‌کند. اگر فقط بخش‌های کوچکی از این ادعاها واقعیت داشته باشند، تغییرات شگرفی در جامعه معاصر در حال رخ دادن است و این متضمن توسعه‌هایی است که برای همه ما دارای اهمیت بسیار می‌باشند. بنابراین اگر این توسعه‌ها مهم‌اند، سزاوار توجه بسیار و تجزیه و تحلیل منتقدانه‌اند و باید مورد علاقه بسیاری از دانشجویان باشند. بسیاری از دپارتمان‌های آموزشی مختلف دانشگاه توجهاتی نسبت به بسیاری از جنبه‌های اطلاعات در جامعه دارند و به این توجهات باید بها داده شود. پس اگر این موضوع بسیار مهمی است، رئیس دانشگاه را متقاعد می‌سازد که یک دپارتمان آموزشی تأسیس نماید که این حوزه، حکم مسئله اصلی آن را داشته باشد. به یک دپارتمان آموزشی مورد نیاز است که توجه اصلی آن معطوف به مطالعه اطلاعات و تولید، اشاعه و کاربرد آن در جامعه باشد. کدام دپارتمان آموزشی بهتر از دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌تواند مناسب این امر باشد؟

حال بیایید تصور کنیم که رئیس دانشگاه دستور می‌دهد که دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی موجود، با یا بدون نام جدید، این نقش را به طور مشروط بر عهده بگیرد: از آنجا که مطالب زیادی برای یادگیری وجود دارند، دانشکده باید آموزش حرفه‌ای خود را ادامه ندهد، زیرا اولویت‌ها و منابع مورد نیاز آموزش حرفه‌ای با این هدف والا تداخل دارند.

در اصطلاح‌شناسی ایالات متحده، این دانشکده بخشی از دپارتمان علوم مقدماتی است زیرا موضوع‌های مورد مطالعه، به خاطر ماهیت خودشان مطالعه می‌شوند. در ایالات متحده آمریکا این دانشکده در کالج علوم و هنر<sup>1</sup> و احتمالاً در بخش علوم اجتماعی قرار می‌گیرد. چنین تصور می‌شود که کلاس‌های آن مورد علاقه گسترده دانشجویان واقع گردند. بهترین آموزشی که می‌توان گفت به اطلاعات و جامعه مربوط است، عنصر

---

<sup>1</sup>. Arts and Sciences

Building را فراهم می آورد، بدان معنا که بین «جالب» و «ارزنده» و «جالب-اما-کم مایه» تمایز قائل می شود.

پس آیا امکان تأسیس یک دپارتمان علوم مقدماتی کتابداری و اطلاع رسانی وجود دارد؟ به نظر من هر نوع نگاهی به کتابداری و اطلاع رسانی بدون توجه به برنامه علوم مقدماتی ناقص و مغشوش است. دیگر آن که، به نظر من هر دانشکده کتابداری و اطلاع رسانی که اعضای هیئت علمی آن تصویری از چنین برنامه‌هایی نداشته باشند، به لحاظ آکادمیک توسعه نخواهد یافت. دپارتمان علوم مقدماتی کتابداری و اطلاع رسانی مکان جالبی می تواند باشد، اما آیا بقای آن مقرون به صرفه خواهد بود؟ احتمالاً در هر دانشگاهی که منابع آن بر اساس حجم کار آموزشی پی ریزی شوند، چنین خواهد بود. (رشته ارتباطات در بعضی از دانشگاه‌ها یکی از رشته‌های مورد استقبال در دوره لیسانس می باشد.)

آیا من تأسیس یک دانشکده علوم مقدماتی کتابداری و اطلاع رسانی، به عبارتی یک دپارتمان «ساده و جالب» کتابداری و اطلاع رسانی «ساده جالب»، را پیشنهاد می کنم؟ نه، من به آن، به عنوان یک رویکرد مطلوب و نه کاملاً خوب می نگرم. من حتی در اندیشه راهبردی بهتر هستم.<sup>2</sup>

### 3. مشکلات

منی توان بدون مواجه شدن با مشکلات عقلانی، به طور جدی به عقاید پرداخت، و بدون آگاهی از مشکلات عملی اهمیت و پیچیدگی اجتماع، برای مدت زمان طولانی به تولید، اشاعه و کاربرد دانش اندیشید. بعضی دپارتمان‌های آموزشی را از طریق ابزار و رشته آموزشی آن‌ها و برخی دیگر (نوعاً دانشکده‌های فنی) را به واسطه مشکلات و مسائلی که بدان می پردازند، تعریف می کنند. دانشکده‌های کتابداری و اطلاع رسانی را در دسته دوم قرار می دهند و این به میراث ما لطمه زده، و به لحاظ سیاسی غافل شدن از آن برای ما خطرناک است. ادعای ما نسبت به مکانی در جدول برنامه‌های دانشگاه، مبتنی بر اهمیت و پیچیدگی مسائلی است که با آن‌ها سروکار داریم و ارتباط آموزش، پژوهش و خدمات عمومی ما با آن مسائل است، و نه ادعاهای مبتنی بر داشتن سنت، یا رشته تحصیلی بودن. یکی از دلایل نبود دپارتمان علوم مقدماتی کتابداری و اطلاع رسانی، وجود یک

۲. برای اطلاعات کاملتر، بنگرید به: Buckland, 1996

راهبرد بازهم بهتر است: دانشکده‌ای با آموزش حرفه‌گرا در محیطی آکادمیک که تفکر علوم مقدماتی را پذیرفته است، یعنی تصدیق می‌کند که پرداختن محض به آموزش حرفه‌ای کاربران به تنهایی کافی نیست، بلکه علاوه بر عملگرآبودن، باید دانش‌اندوز، علمی و در صورت امکان انتقادی نیز بود (آموزش حرفه‌ای به دلیل ارتباط حرفه‌ای آن با مسائل اجتماعی، بالاتر از آموزش فنی است. پرداختن به این موضوع از حوصله این بحث خارج است).

به مثال‌هایمان در رابطه با چگونگی «مدرک-زدگی»<sup>1</sup> جامعه باز می‌گردیم؛ به انواع مختلف تجزیه و تحلیل‌هایی بیندیشید که برای تکمیل فهم و طرح‌های ما- طرح‌های اقتصادی، شناختی<sup>2</sup>، سیاسی، مردم‌شناختی<sup>3</sup>، نماد شناختی<sup>4</sup> و فناوری- نیاز است، و این که چگونه چنین شناختی می‌تواند ما را به بخش‌های مختلف دانشگاه هدایت کند. این چالش فکری برای باقی عمر ما کافی است.

آنگاه پیامدها و پتانسیل تغییرات فنون و فناوری را نیز بدان بیفزایید. تفکر در باب چالش موجود طاقت‌فرسا خواهد بود! نظام‌های اطلاعات جغرافیایی<sup>5</sup>، امکانات جدیدی را برای طیف بسیار گسترده‌ای از افراد و صنایع، از علوم نظامی گرفته تا علوم انسانی، فراهم می‌آورند. کتابخانه‌های رقومی عبارتی است که هم برای رقومی کردن خدمات کتابخانه و هم دسترس‌پذیری محتوای هر منبع پیچیده‌ای به کار می‌رود. پایگاه‌های وب، اینترنت‌ها و اکسترانت‌ها تشکیل نوع جدیدی از ذخیره‌سازی و ارائه مدارک و در عمل نوع جدیدی از کتابخانه را فراهم می‌آورند. هوش رقابتی، مجموعه و تحلیل اطلاعات مربوط به دیگران، به گونه‌ای لازم و ملزوم مدیریت دانش سازمانی است، و این امر تا حد زیادی، مساوی با مفهوم ایجاد و استفاده از دانش دائرةالمعارفی یک سازمان می‌باشد. حوزه‌های فراوانی برای کار وجود دارند. پر واضح است، دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی باید با توجه به منابع، علائق و موقعیت‌ها نسبت به انتخاب حوزه‌های کاربردی به منظور کار بر روی آن‌ها دقت فراوان داشته باشند.

**مدیریت دانش سازمانی<sup>1</sup> به عنوان یک نمونه:** به عنوان نمونه، تولید، اشاعه و

---

<sup>1</sup> document-permeated

<sup>2</sup> cognitive

<sup>3</sup> anthropological

<sup>4</sup> semiotic

<sup>5</sup> GIS (Geographic Information Systems)

<sup>1</sup> Corporate Knowledge Management

کاربرد دانش در سازمان‌ها با نام «مدیریت دانش» تبدیل به حوزه مورد توجه صاحب‌نظران مدیریت بازرگانی شده است. بیشتر مسائل، البته نه همه آن‌ها را می‌توان به عنوان تعبیری وسیع از آن چیزی دانست که کتابداران کتابخانه‌های تخصصی معتقدند می‌توانند و باید انجام دهند. نود و پنج سال قبل، آن را «دکوماناسیون اداری»<sup>2</sup> نامیدند. حتی اگر بعضاً بحث درباره آن‌ها رو به تقلیل گذاشته باشد، باز هم جزو مسائل مهم و ماندگار باقی خواهند ماند. من تعجب می‌کنم چگونه هیچیک از دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی این حوزه را در برنامه آموزشی خود قرار نمی‌دهند.

#### 4. پیچیدگی

هر کس که علاقه‌مند به دانش انسان باشد، الزاماً با مسائل بسیار پیچیده‌ای روبرو خواهد بود: درک و باور انسان، فناوری اطلاعات، سیاست‌های اجتماعی، ... ما بناچار در محیط پیچیده‌ای زندگی می‌کنیم که باید در آن، کار با هر وسیله‌ای را که در دسترسمان است، بیاموزیم. این امر موجب بروز دو موضوع راهبردی و مهم می‌گردد: مهارت‌های تخصصی و صرفه‌جویی ناشی از تنوع تولید<sup>3</sup>.

**مهارت‌های تخصصی.** باید بتوانیم در تمام کارهایمان بخردانه عمل کنیم، اما فقط در حوزه‌های محدودی از دایره علائقمان می‌توانیم علمی (رسمی و کمی) باشیم. من تفکر در باب اصطلاحات کتابداری و اطلاع‌رسانی را از دو جنبه اساسی مفید یافته‌ام: جنبه فنی، که عبارت است از آنچه هر شخص در هنگام مراجعه به یک «نظام اطلاعاتی» از آن انتظار دارد، و جنبه انسانی و اجتماعی. دانشکده‌ای که هر دو جنبه مذکور را در نظر نگیرد، نمی‌تواند به کل حوزه پردازد. دامنه علائق ما، آن‌گونه که با تعاملات مختلف میان انسان و مدارک ارتباط دارد، مستلزم بررسی‌های گسترده رفتار انسانی نسبت به فناوری، جامعه و دانش می‌باشد. ما باید نه تنها از فنون رسمی («علمی») (الگوریتم‌ها، ابزارهای ریاضی و آمار)، بلکه علوم اجتماعی (مردم‌شناسی فرهنگی، تحلیل خط‌مشی، مدیریت و رهبری) و علوم انسانی (علم بیان، علم عقاید<sup>3</sup>، معناشناسی، معرفت‌شناسی، و مطالعه خود دانش) استفاده کنیم. یکی از سؤالاتی که درباره آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی کماکان بدون پاسخ مانده، این است که چرا با وجود ارتباط ضروری ما با مسئله بیان، معنا، دانش و درک

---

<sup>2</sup> administrative documentation

<sup>3</sup> economies of scope

<sup>3</sup> art of persuasion

انسان، نقش علوم انسانی بویژه زبان‌شناسی، فلسفه و علم بیان تا حد زیادی مورد اغماض واقع شده است؟ مسائلی که پرداختن به آن‌ها را مسلم می‌دانیم، مستلزم فراهم‌آوری همه ابزارهای مختلف توسط خود ما است و مجبوریم علیرغم طرز تفکرهای اساساً ناسازگار خود، با یکدیگر زندگی، و بر روی اهداف مشترک کار کنیم (Buckland, 1999). به عنوان مثال استخدام صرف متخصصان فناوری و فنی، دیدگاهی به شدت محدود به دست می‌دهد.

**صرفه‌جویی‌های ناشی از تنوع تولید.** یکی از چالش‌های راهبردی مهمی که باید به آن پرداخت، چیزی است که اقتصاددانان از آن با عنوان «صرفه‌جویی ناشی از تنوع تولید» یاد می‌کنند. حوزه‌های کاربردی مختلف مدیریت دانش با سنت‌ها، فنون و اصطلاح‌شناسی‌های مختلفی رشد کرده و هر یک از این حوزه‌ها به نوبه خود منحصر به فرد است. با وجود این، مشابهت‌هایی نیز به چشم می‌خورد. چالش در این است که بفهمیم چه چیزی باید مشترک و چه چیزی متفاوت باشد. برای این منظور، نیازمند رویکردی تحلیلی و مقایسه‌ای هستیم و باید درک گسترده‌ای از ابزار و زمینه اصلی داشته باشیم. ابزار به تنهایی کافی نیستند. برای مثال، اگر بخواهیم در زمینه «زیست انفورماتیک»<sup>1</sup> فعالیت کنیم، باید برای آشنایی با حوزه زیست انفورماتیک سرمایه‌گذاری نماییم و نباید تصور کنیم که ابزار عمومی مدیریت دانش کافی است. چنین چیزی در مورد خدمات کتابخانه و هر حوزه کاربردی دیگر نیز صدق می‌کند.

## 5. فناوری

من فناوری را در ردیف ماقبل آخر قرار داده‌ام که یک دلیلش آن است که در غالب اوقات، فناوری نقطه آغازین بحث است؛ دلیل دیگر آن که هر شخص دیگری روی آن متمرکز می‌شود، و دلیل آخر آن که تنها توجیه برای توجه به فناوری، در بستر چهار نکته قبلی نهفته است. تغییرات فناوری موجب تغییر در ابزار می‌گردد، اما الزاماً اهداف را تغییر نمی‌دهد. ما نیازمند بازآفرینی هستیم. بهره‌وری بهینه یعنی این که کارهای مشابه را بهتر انجام دهیم. بازآفرینی یعنی انجام امور به شیوه‌ای متفاوت و بهتر. من با این جمله‌ای که به «سیمون»<sup>2</sup> نسبت داده‌اند، موافق‌ام که جوهره آموزش حرفه‌ای از آفرینش نشأت

<sup>1</sup>. bioinformatics

<sup>2</sup>. Herb Simon



می‌گیرد. چگونه می‌توان یک خدمت را آفرید؟ چگونه می‌توان آن را به گونه‌ای بهتر آفرید؟

## 6. آموزش

اعضای سازمانی «انجمن آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی» همگی برنامه‌ریزان آموزشی هستند و تاکنون، به استثنای مواردی اندک، توجه و دامنه کار خود را به شدت متمرکز، منحصر، و (به گونه‌ای مؤثر) محدود به رشته‌های خود و اندکی (شاید یک درصد) به پیکره دانشجویی مؤسسه‌هایشان کرده‌اند. اگر شما نیز مانند من علم کتابداری و اطلاع‌رسانی را ذاتاً بسیار جالب، و از دیدگاه اجتماعی مهم می‌دانید، چرا آن را پنهان می‌سازید؟ و اگر آن را جالب و مهم نمی‌دانید، فرصت مناسبی است تا شغلتان را تغییر دهید. در رؤیای من، ما با همه آن‌هایی که [به این حوزه] علاقه دارند، وجه مشترک داریم. بار دیگر این عقیده را که چگونه جامعه در هنگام گذار به «عصر اطلاعات» رو به تغییر می‌گذارد، از نظر می‌گذرانیم. این توسعه‌ها اهمیت دارند و سزاوار توجه‌اند. بسیاری از گروه‌های آموزشی دانشگاه به یک یا چند جنبه از اطلاعات علاقه‌مندند و این علائق را باید تقویت کرد. اما اگر چنین امری اهمیت دارد، شایسته تخصیص یک گروه آموزشی دانشگاهی است که این حوزه، مسئله اصلی آن باشد. این امر نیازمند یک دپارتمان آموزشی در دانشگاه است که توجه اصلی آن به مطالعه اطلاعات، تولید، اشاعه و استفاده از آن در جامعه معطوف گردد. کدام دپارتمان آموزشی را برای این کار بهتر از کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌دانید؟

در دانشگاه‌ها معمولاً دانشجویان کلاس‌هایی را انتخاب می‌کنند که جالب باشند. فقدان چنین عقیده‌ای که دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌تواند کلاس‌هایی را ارائه کند که برای عموم دانشجویان جالب باشد، شدیداً ملموس است. در یک برنامه آموزشی که تماماً به آموزش حرفه‌ای اختصاص دارد، جایی برای چنین ایده‌ای که «ساتید کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌تواند علائق خود را از طریق برگزاری دوره‌هایی که شرکت در آن‌ها برای عموم دانشجویان آزاد باشد، به اشتراک بگذارند» باقی نمی‌ماند. با این حال، کدام عضو هیئت علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی است که در زمینه موضوعی که می‌تواند مورد علاقه درصد زیادی از دانشجویانی باشد که قرار نیست خود را برای کار در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی آماده نمایند، دانش لازم را نداشته باشد؟ در کتابداری و اطلاع‌رسانی با رویکرد علوم مقدماتی، موضوع‌ها بیشتر به جهت ماهیت جالبشان مورد

نظرند و نه کاربرد عملی آن‌ها. به نظر می‌رسد برای ارتقای درک خود از ماهیت و مسائل جاری کتابداری و اطلاع‌رسانی، راه بهتری جز به اشتراک گذاشتن آن‌ها با کسانی که علاقه‌مند به یادگیری هستند، وجود ندارد. تنها معلمان نیستند که به مسائل آموزشی علاقه‌مندند. به همان نسبت، برای کسی هم که قرار نیست یک سیاستمدار حرفه‌ای شود، شاید مسائل سیاسی جالب باشند. فرد برای علاقه داشتن به موضوع‌های حوزه سیاست اطلاعات (نظیر حریم خصوصی، سانسور، «شاهراه‌های اطلاعاتی» و آزادی دسترسی به پیشینه‌های دولتی) مجبور نیست حتماً شغلی در زمینه حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی داشته باشد.

انگیزه دیگری نیز وجود دارد. همانگونه که «لیمان»<sup>1</sup> توضیح می‌دهد، آموزش علوم مقدماتی امروزه در آمریکا عموماً ضعیف بوده و در مواجهه با ماهیت و نقش فناوری اطلاعات و در واقع خود اطلاعات منسوخ می‌باشد. «آموزش آزاد اگر نتواند به شیوه‌ای مطلع و انتقادی، افراد آموزش دیده را در مواجهه با حضور فناوری - و از آن مهم‌تر حضور محصولات اطلاعاتی فناوری در دنیای مدرن آماده سازد، ناقص خواهد بود» (Lyman, 1995, p.4). و دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی صلاحیت اصلاح چنین معضلی را دارند یا باید داشته باشند.

من به مدت پنج سال درسی را در دوره لیسانس با عنوان «نظام‌های اطلاعاتی» ارائه می‌کردم که موضوع آن نظریات مختلف «اطلاعات» و «نظام اطلاعاتی» شامل جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مدیریت اطلاعات و فناوری اطلاعات بود. مسائل مربوط به حریم خصوصی و کشف این مسئله که نظام‌های اطلاعاتی دارای اساس و تعصب فرهنگی هستند، علاقه را برمی‌انگیزاند. دانشجویان شگفت‌زده می‌شدند از این که می‌دیدند چقدر حوزه معنایی واژه «اطلاعات» از یک محیط به محیط دیگر متفاوت است. کشف مختصات نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات مستلزم تمرین‌هایی است که منجر به مهارت‌های مفید می‌گردند، اما جنبه‌های عملگرایی آن، نیت و مقصود اولیه نبوده است. نمونه فوق، دعوتی ساده برای کشف حوزه ما بود.<sup>2</sup>

دانشجویان پایه لازم را برای دانستن آن چه که از این درس انتظار می‌رود، ندارند.

<sup>1</sup> Peter Lyman

۱. بعضی از موارد درسی دوره مذکور موقتاً از طریق نشانی اینترنتی زیر در دسترس است:

<http://www.sims.berkeley.edu/courses/is101/s97>

بیشترشان تصور کلاسی کاربردی را دارند که به آن‌ها آموزش می‌دهد چگونه در نظام‌های ذخیره و بازیابی پیوسته جستجو کنند. بعضی دیگر انتظار آشنایی بسیار خاص با فنون کتابداری را دارند، که از دیدگاه آن‌ها قدیمی، محدود و مبهم است. در همین ضمن، بحثی فراگیر درباره «جامعه اطلاعاتی» این آگاهی را فراهم آورده که ممکن است چیزی برای مطالعه وجود داشته باشد. با این حال، جای چنین آگاهی که: زمینه‌ای قوی، پیچیده و جالب برای پرداختن به اطلاعات - رقومی یا هر نوع دیگرش - چگونگی مدیریت آن و چگونگی تأثیر آن بر زندگی وجود دارد، خالی است. این سطح پایین از آگاهی تا حدودی قابل انتظار است. با توجه به سکون طولانی مدت عموم دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی (که مملو از دانشجویان درگیر در برنامه‌های حرفه‌ای هستند) نسبت به درون‌نگری خود، چگونه می‌توان از دیگران انتظار آگاهی داشت؟ یک تقاضای بالقوه ذاتی برای معرفی موضوع‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با رویکرد علوم مقدماتی (بخوانید «جالب») وجود دارد.

یکی دیگر از دروس اختیاری دوره لیسانس - به عنوان یک نمونه از نمونه‌های بسیار - کلاسی است که به موضوع مدیریت اطلاعات و سیاست‌های اطلاعات با رویکرد دانش فرهنگی می‌پردازد. این کلاس که عنوان آن «دسترس‌ی به میراث فرهنگی آمریکا» می‌باشد، شیوه‌هایی را تبیین می‌نماید که از طریق آن‌ها دانش میراث‌های فرهنگی و هویت قومی شکل گرفته یا از طریق منابع تفسیری<sup>1</sup> متنوع (شامل دائرةالمعارف‌ها، رده‌بندی‌های کتابخانه‌ای، اصطلاحنامه نمایه‌سازی، کتاب‌های درسی مدارس، و نظایر آن‌ها) تأثیر می‌پذیرد.<sup>2</sup> این موضوع در جهانی که مملو از قوم‌گرایی و سیاست‌های هویتی است، برای عموم جالب بوده و از طراوت خاصی برخوردار است.

این درس از بعضی عناصر برنامه‌های حرفه‌ای دوره لیسانس و فوق‌لیسانس کتابداری و اطلاع‌رسانی، بویژه منابعی مربوط به موضوع‌های دارای حساسیت اجتماعی موجود در نمایه‌ها و دائرةالمعارف‌ها، تغذیه می‌شود. بعید به نظر می‌رسد اساتید و مدرسان کتابداری و اطلاع‌رسانی محتوا یا رویکرد این کلاس را چیزی بیش از بازچینی و توسعه منابع موجود ببینند. اساسی‌تر آن که این کلاس برای رشته‌های خودمان نیست. چنین

<sup>1</sup> interpretative sources

<sup>2</sup> بعضی از مواد درسی این دوره از طریق نشانی اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.sims.berkeley.edu/courses/is142/f00>

کلاسی قرار نیست نوعی آموزش حرفه‌ای باشد؛ در نتیجه، آن چیزی نیست که فرد از یک دانشکده جدی، عملگرا و حرفه‌ای انتظار دارد. واکنش اساتید دیگر گروه‌های آموزشی دقیقاً متضاد بوده است. آن‌ها تصور می‌کنند که هر گروه آموزشی در دانشگاه قصد دارد توجه طیف گسترده‌ای از دانشجویان دوره لیسانس را معطوف به خود نماید. آن‌ها معمولاً فکر می‌کنند که محتوا و رویکرد این کلاس، بدیع و ابتکاری می‌باشد و این ایده که کتابداری و اطلاع‌رسانی بتواند منشأ کلاسی با چنین محتوایی باشد، آن‌ها را شگفت‌زده می‌کند. کاملاً جدای از شایستگی ذاتی، این دوره‌ها دریچه‌ای را می‌گشایند که از درون آن تمام دانشگاه ماهیت رشته ما را به طور مؤثر درک می‌کند و مورد احترام قرار می‌دهد. این دو نمونه کلاس‌هایی بودند که خود من تدریس آن‌ها را بر عهده داشته‌ام. پر واضح است که راه‌های دیگری نیز وجود دارند که از طریق آن‌ها اطلاعات و مدیریت اطلاعات بر روی افراد و جامعه اثر می‌گذارند. مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی به گونه‌ای فراوان و برجسته‌اند که فرصت‌های قابل استفاده در میراث ما فراتر از منابعی است که یک دانشکده بتواند فراهم آورد. در واقع، عملاً هیچ دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی نمی‌تواند به تمامی علائق این حوزه بپردازد و مطمئناً هیچ‌یک نمی‌توانند ادعای امتیازی خاص داشته باشند، بلکه باید دیدگاهی وسیع‌پدید آید که بر مبنای آن هر دانشکده نهایت تلاش خود را به کار برد تا منابع دانشگاه را تا حد امکان جذب و استفاده نماید.

دلایل مجاب‌کننده اقتصادی، عقلانی و سیاسی برای این حقیقت وجود دارند که چرا راهبردهای جدید، باید راهبردهایی گسترده و تمام‌شمول باشد.

### بازگردیم به میراثمان

مورخان، لطفاً تمام حوزه [رشته] ما را کشف کنید!

اگر ما میراث و علائقمان را با دیگران به اشتراک نگذاریم، نمی‌توانیم متوقع باشیم ما را درک کنند و در نتیجه باعث می‌شویم که دیگران از این ایده که: مسائلی که ما با آنها سر و کار داریم، یک حوزه «جدید» می‌باشد، غافل بمانند. گشودن راه‌های جالب آری، جدید نه.

اگر ما میراث خود را بفهمیم و آینده را به گونه‌ای گسترده، تمام‌شمول، راهبردی، و به شیوه‌ای زایا بر پایه آن بنا کنیم، می‌توانیم به صورت فردی زندگی جالب داشته و به

صورت سازمانی، شکوفا باشیم و در مجموع با بقیه جهانیان همکاری کنیم.  
این است رؤیای من.

### منابع

Aristotle. 1955. **The Ethics of Aristotle: The Nicomachean Ethics Translated**. Harmondsworth, U.K.: Penguin.

Bowden, M., T. B. Hahn & R. W. Williams, eds. 1999. **Proceedings of the 1998 Conference on the History and Heritage of Science Information Systems**. Medford, NJ: Information Today.

Buckland, M. K. 1996. "The "liberal arts" of Library and Information Science and the research university environment". In: **CoLIS2: Second International Conference on Conceptions of Library and Information Science: Integration in Perspective, 1996. Proceedings**. Ed: P. Ingwersen, N. O. Pors. Copenhagen: Royal School of Librarianship, 1996, pp. 75-84. [[HTML](#)]

Buckland, M. K. 1997. "What is a "document"?" **Journal of the American Society for Information Science** 48, no. 9 (Sept 1997): 804-809. [[HTML](#)].

Buckland, M. K. 1999. "The landscape of information science: The American Society for Information Science at 62". **Journal of the American Society for Information Science** 50, no. 11 (1999): 970-974. [[HTML](#)].

Delmas, Bruno. 1992. Une fonction nouvelle: genèse et développement des centres de documentation. pp. 178-193. In: **Histoire des bibliothèques françaises**. [Paris]: Promidis - Editions du Cercle de la Librairie, 1988-1992. v.4. Les bibliothèques au XXe siècle, 1914-1990.

Hahn, T. B. & M. Buckland, eds. 1998. **Historical Studies in Information Science**. Medford, NJ: Information Today.

Lyman, P. 1995. "What is computer literacy and what is its place in liberal education?" **Liberal Education** 81, no. 3: 4-15. Also in **Rethinking Liberal Education**, ed. By N. Farnham & A. Yarmolinsky. New York: Oxford University Press, 1996.

Steig, Margaret F. 1992. **Change and Challenge in Library and Information Science Education**. Chicago: American Library Association, 1992.

Wilson, Patrick. 1983. "Bibliographic R & D". In: Machlup, F. & U. Mansfield, eds. **The Study of Information: Interdisciplinary Messages**. New York: Wiley, 1983. pp 389-397.

Wilson, P. 1993. [Review of M. F. Stieg, *Change and challenge in Library and Information Science Education*. (Chicago: American Library Association, 1992.)] **College & Research Libraries** 54: 275-276.